

31-05-2011

عتیق الله ساکت

این همه اطمینان را انتحاریون از کجا بدست آورده اند و با چه نیروی اینقدر مؤفقانه حتی خود را در درون مجالس رسمی جا زده و اهداف خود را عملی میسازند؟

آقایان عطا محمدنور، امان الله گذر، بصیرسالنگی و دل آغاسالنگی، حالا نوبت شماست.

به ترتیب حملات مسلسل انتحاریون که نوبت به نوبت بالای شخصیت‌های جهادی و بازماندگان دوره مقدس مقاومت چون "مولانای سیدخیل"، فرمانده "خان محمد قندهار" و ژنرال "داود داود" انجام می‌دهند، کاملاً برای هرکسی به آسانی قابل پیش بینی است که اهداف آینده اینگونه حملات در آینده های نزدیک چه کسانی اند. حتم دارم که اینبار شخصیت‌های هم‌تراز و هم‌فکر با شهدای سابق چون امان الله گذر، بصیرسالنگی، دل آغا سالنگی، عطا محمدنور والی بلخ، بسم الله خان وزیر فعلی وزارت دفاع، امرالله صالح، فرمانده الماس و خلص هرکسی که باشهید اول حمله انتحاری در افغانستان "احمدشاه مسعود" هم‌فکری، همکاری و هم‌سنجی داشته است، در فهرست عملیات انتحاریون قرار دارند. آنچه جالب است اینست که اینبار داستان حملات انتحاریون بر علیه شخصیت‌های جهادی درست همانند جنگ خوارج بر علیه صحابه کرام است که ایشان از همسر پیامبر حضرت عایشه گرفته تا سایر دودمان، دوستان و هم‌رکبان حضرت محمدص را در ردیف کفر قرار داده و دیوانه وار با فلسفه موهوم اعتقادی و فقهی منحصر به فرد خویش، همه یادگاران دوره طلایی هجرت و جهاد آنحضرت (محمدص) از دم تیغ میکشیدند و میکشند. زیرا آنها خود را هزار مرتبه مسلمانتر، بافضیلت‌تر و باتقواتر از ایشان میدانستند. خوارج کسانی بودند که در دوره های بعدی چون خلافت حضرت علی بخصوص در هنگام جنگ‌های آنحضرت در برابر حضرت معاویه ظهور نمودند که اصلاً هیچیک از ایشان افتخار هم‌رکابی و حتی به گفته مؤرخین سیمای حضرت پیامبر را ندیده بودند ولی بخاطر رضایت خداوند احساسات و هیجانات حتی بالاتر از پیامبر را از خود تبارز میدادند و حالانکه پر بودند از جهل و از دانش تهی، بر هرکس خنجر می‌زدند از جاهلی. حالا این ما هستیم که با گذشت هر روز اسطوره های جهاد مقدس و افراد شناخته شده تأریخ سی سال اخیرمانرا که به واقعیت ایمان، اسلام و دینداری خود را مرهون زحمات ایشان هستیم و این آنها بودند که راه مسلمانان و دینداری را برای ما یاد دادند، از دست میدهیم آنهم بوسیله کسانی که اصلاً معلوم نیست اینها کیستند؟

بحث بر سر توزیع و تقسیم قدرت از دیرزمانیست که میان گروه ها و محافل سیاسی در افغانستان مطرح است و هر گروه در تلاش اینست که سهم بیشتری را در قدرت داشته باشد. ولی هیچکس نمی‌پرسد که انباز و شرکای ایشان درین معامله توزیع قدرت کیه و دارای چگونه مفکوره یی

خواهند بود؟ آیا میشود که دو گرگ و میش با هم برسریک سفره بنشینند و غذا بخورند؟ و یا هم دو جاندار نامتجانس مثل مار و انسان در یک سوراخ؟ ساختار کنونی دولت و ترکیبی که امروز در آن مشاهده میکنیم به همان اندازه ناهمگون و نامتجانس است که گویا در کناهم قرار گرفتن یک انسان با مارهای آتشین زهری آنهم در یک سوراخ تنگ و تاریک. به عبارت دیگر نظام کنونی با این ساختار و ترکیب نامتجانس در اصل لانه مارهای افعی و کفچه ایست که به مجرد ورود اندرون این سوراخ فقط مرگ در انتظار انسان است. در حقیقت این ساختار درست یک دام و تله ایست که بمنظور به چنگال آوردن افراد متحرک و آزادیخواه و در نهایت نابودی ایشان گذاشته شده است. این ساختار زیر نام مشارکت اقوام و ملیتها صرفاً افراد متحرک، سران و رهبران ایشان را از ایشان میگیرد و سرشان را زیر خاک میکند. شاید برای بعضی از این دلاور مردان به مقتضای سرشت انسانی که حب جاه، منصب و کرسی در وجود هر انسان نهفته است، و یا هم به دلیل محبت و عشق که به مردم و کشورشان دارند، در آغاز بدون هیچ تعللی موافق عملیاتی و پیشنهاد شده توسط رییس جمهور را با افتخار میپذیرند و در خدمت نظام وارد میشوند، ولی عاقبت نه در میدان جنگ و نه در خط جبهه علیه دشمن بلکه در درون شعبات دولتی در میان ده ها محافظ و در عقب چندین دروازه های بسته وزارت ها، ادارات دولتی و ولایتی در اثر توطیه همین حلقات دام گسترده شهادت میرسند و افراد گماشته شده عملیات انتحاری بوسیله مدارک و اسنادهای رسمی و ظاهراً قانونی، لباس و یونیفورم که بوسیله خود مؤظفین و حلقات خاص که در درون همین دولت وجود دارند، برایشان تهیه میشود، در لباس محافظ، اردوی ملی و پولیس بجان ایشان حمله ور میشوند. در حمله که چند هفته پیش در درون مقر وزارت دفاع صورت گرفت، شاهدان عینی میگویند که شخص انتحار کننده دقیقاً از ریاست جمهوری در داخل یک عراده موتر خاص شیشه سیاه به محل حمله انتقال داده شد و پس از واقعه زمانیکه هیأت تحقیق خواستند کمره های مخفی امنیتی وزارت را بررسی نموده و جریان این حادثه را از آغاز تا آخر مشاهده کنند دریافتند که نوار تمام کمره ها درست همه در یک وقت محو و سفید شده اند و یا هم قبل از آغاز عملیات بخاطر بجا نگذاشتن هیچگونه سند تصویری توسط افراد خاص در خود وزارت دفاع غیرفعال ساخته شده است. در ارتباط این حادثه آقای عظیمی بعداً در رسانه ها صرف همینقدر گفت که شخص انتحار کننده یک فرد تازه وارد از انگلستان به افغانستان بوده است. ولی اینکه این شخص قبلاً در ریاست جمهوری چه میکرد، چگونه لباس نظامی را بتن کرده و کی او را کمک کرده و چگونه در داخل موتر خاص ریاست جمهوری به داخل وزارت دفاع منتقل شده، هیچ چیزی نگفت.

بهر تقدیر حالا مهارت و زبردستی انتحاریون باندازه ایست که حتی افراد مورد نظر خود را پیش از پیش با اطمینان کامل هشدار میدهند که اینک ما بسوی شما میاییم و هر قدر که میتوانید مواظب خود باشید. پس اینجا سؤال پیدا میشود که اینهمه اطمینان را ایشان از کجا بدست آورده اند و با چه نیروی اینقدر مؤفقانه حتی خود را در درون مجالس رسمی جا زده و اهداف خود را عملی میسازند؟ بعضی از شاهدان عینی از طریق رسانه ها گفتند که در حمله انتحاری بالای شهید ژنرال داود شخص حمله کننده ملبس با یونیفورم پولیس در درون مجلس رسمی در مقر ولایت تخار حضور داشت و قبل از انتحار نخست دفعتاً اسلحه را بالای آقای داود کشیده و پیرا هدف قرار میدهد و بعد زمانیکه محافظین میخواهند و پیرا دستگیر کنند خود را انتحار میکند. البته گفتنی است

که اینهمه موفقیت و تردستی ایشان در دست چین کردن افراد خاص آنهم از یک قماش مانند مولانای سیدخیل، خان محمد قندهاری و ژنرال داود از زمانی تشدید یافته که پس از استعفای آقای امرالله صالح رییس پیشین امنیت ملی (استخبارات) تغییرات ژرفی در آن ریاست صورت گرفت.

پس دلاور مردان و سلحشوران مجاهد، ای کسانیکه دشمن جرأت رویارویی و مقابله مردانه و ار را با شما ندارد! ای کسانیکه دشمنان ما و شما جز اینکه با خیمه شب بازی و درلباس زنان همچو زیرچادری درآمده و با پیشبرد روشهای نامردانه شما را هدف قرار میدهند! بیایید ازین خوان کثیف آقای کرزی هرچه زودتر بلند شده و ازین شوربای مرداری که خود وی آنرا مفتضحانه طبخ نموده و باشور و اشتیاق آنرا نوش جان میکند، دست بردارید. شما مستحق نوشیدن آبهای خلیها زلال از سرچشمهء خورشید اید. برای شما سزاوار نیست که برسر این سفرهء مردار و زهرناک یکجا با هزاران افراد جاسوس و بی هویت نشسته خویشتن خویش را مسموم سازید. مگر تقبل مسؤلیتهای خطیر دولتی در چنین دستگاهه که درانجا به هزاران جاسوس و ظنفروش آی ای آی، سی آی ای و غیره وجود دارند، چیزی جز زندگی کردن در یک سوراخ با مارهای افعی هست؟ دستگاهه که معجون عجیب و غریبی از طالبان، حزب اسلامی، جاسوسان امریکایی و پاکستانی وجود دارند، جایگاه شما آزاده مردان در کجای آنست؟ بیایید تا دیر نشده هرچه زودتر راهه دیگریرا برای نجات کشور جستجو نمایید. مطمئن باشید که حضور کوتاه مدت شما در درون این دستگاهه فاسد صرفاً بخاطر در تلک گرفتن شماست و عاقبت هر کدام شما بجرم استقلال طلبی، رشادت و پیاوردی که در طول دوران جهاد و مقاومت بر علیه پاکستان و جیره خواران داخلی ایشان از خود نشان داده اید، همانند همراکبان شهید شما چون مولانای سیدخیل و ژنرال داود داود است. همین اکنون شما در صدر فهرست حملات انتحاری بحیث اهداف بعدی قرار دارید و حالا نوبت شماست. اگر زود بیدار نشوید، امروز و یاپس فردا فرشتهء مرگ ناگزیر نقش قدمهای شخص حمله کنندهء انتحار را تا اندرون قفسهء سینه های تان تعقیب خواهد کرد و سرنوشت شما همانند دوستان شهید تان بدستان ایشان رقم خواهد خورد. ولی مطمئن باشید که آقای کرزی بامرگ شما هیچ چیزی جز دو کلمه و آنهم "تقبیح میکنیم" نخواهد گفت و برادران طالب خود را هرگز آزوده نخواهد کرد. بگذارید تا ببینیم وی با برادران مست خوار جی خود چگونه حکومت خواهد کرد؟ این شما هستید که جنازهء این حکومت مرده را برسر شانه های بالا نگهداشته اید. پس بار این جنازهء مفلوک را از دوش تان برداشته و بر زمین گذارید که ما و شما به حکومت زنده نیاز داریم و برای تحقق این مأمول لازم است تا از تقبل کرسی گک ها و چوکی گک های زودگذر و کوتاه مدت آقای کرزی که آنهم بخاطر مصروف ساختن و بدام انداختن شما رویکار شده است، دست برداشته برویم بسوی طرح یک راهکار کاملاً جدید که در آن هیچ شخص خوار جی و برادران اش مجال تنفس نداشته باشند.